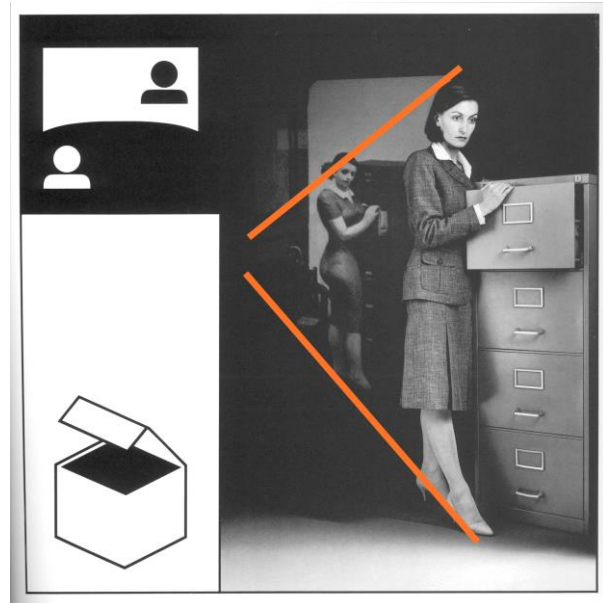


عکس از ویکتور برگین ۱۹۸۶



نقاشی ادوارد هاپر قبل از ۱۹۶۷

در اثر ویکتور برگین، تقابل دو سویه بین عکاسی و نقاشی رامی توان به وضوح دید. انگار که عکاسی برای رقابت با نقاشی به میان آمده و قابلیت خود را که توانایی در ثبت جزئیات و واقعیات است را به رخ بکشد. در اینجا خانم عکاسی شده به تصویر نقاشی شده پشت کرده و او را نادیده گرفته است و غرور او را در یونیفرم رسمی و قد بلند و ژستی که به خود گرفته را می توان دید چرا روبه نقاشی نایستاده اگر جهت بدن او به طرف نقاشی عوض می شد شاید این کنش دیرینه بین نقاشی و عکاسی زیر سوال می رفت و رفعتی بین آنها صورت می گرفت در نقاشی زاویه دید بالا، سایه روشن فضا، تصاویر بی حرکت که حتی به هم نگاه نمی کنند. نمی توان به راحتی گفت شخص حاضر در نقاشی، ماتم زده، عصبی و یا خسته است و به دنیای پیرامونش واکنش ندارد. به جایی دیگر خیره شده نگاهی خیره به فضایی تهی که شاید خودمان آن را تجربه کرده ایم یا در نگاه اطرافیانمان آن را دیده ایم نگاهی خاموش و یخ زده که همین نوع نگاه را در تصویر عکاسی شده نیز می بینیم.



پرسپکتیو یک نقطه ای در تصویر دو زن مشاهده می شود ولی فایل ها تناسب شان نسبت به هم رعایت نشده فایل جلویی کوتاه تر از خانم است و او بر فایل مسلط تر از تصویر نقاشی شده است حالت بدن نقاشی تناسبانش مانند باسن و مچ دست رعایت نشده که شاید عمدی بوده استفاده از عکس سیاه و سفید به جای رنگی به آن سادگی بیشتری داده و آن را از حالت شلوغی که در تصویر به واسطه عناصر متفاوتی که وجود دارد تعدیل شده تناسب بین فرم سفیدی تابلو و سفیدی زمین قابل تامل است. استفاده از کادر مربع سکون و سکوت آن را بیشتر کرده ولی عناصر مستطیل واقع در تصویر پویایی را به اثر بخشیده است.